

کمک امپریالیستی و نوکرانش بی طمع نیست

در ضرب المثلهای ایرانی می گویند: "پول داشته باش، سر سبیل شاه نقاره بزن" و یا "زر را گر بر سر پولاد نهی، آب گردد". منظور از این گفتار بیان قدرت پول است. بیان قدرت سرمایه و سرمایه داری است که همواره در پی کسب سود حداکثر بوده تا بتواند همه را در خدمت سرمایه بخزد. سرمایه داری گرگی است که سلامش بی طمع نیست. پای پول که به میان می آید دست و دل عده ای می لرزد. در جامعه ای که با پول بشود همه کار کرد، برای بدست آوردن آن پول همه کار می کنند. این منطق جامعه سرمایه داری است و ما در ایران خودمان شاهدیم که مافیای سرمایه داری در قدرت به چه شگردهائی برای کسب پول باد آورده دست می زند، اموال عمومی را می دزد و به جیب روحانیت و باندهای فعال در حکومت سرازیر می کند. برای بسیاری از صاحبان قدرت، فروش ایران و حراج منافع ملی برای اینکه پول و پله ای به آنها برسد، حتی در دستور کار قرار دارد. کانادا، آمریکا، سوئیس، آلمان و انگلستان به مراکزی برای فراریان دزد ایرانی که بیشتر سرسپرده خارجیان هستند و ذره ای عرق ملی ندارند، بدل شده است. آنها با همکاری با صاحبان قدرت، با رنت خواری، میلیاردها مال و ثروت اندوختند و سربرنگاه فرار را بر قرار ترجیح دادند. طبیعی است که امکان ندارد این دزدیها و فساد در طبقه حاکمه اتفاقی و کار یکی دو نفر باشد. دزدی در حکومت جمهوری اسلامی که یک حکومت "الهی" است، نهادینه شده است و بخشی از سریش چسباندن مراکز متعدد قدرت بیکدیگر است. دزدیها به صورت سازمانیافته و با آگاهی کامل سرمداران حکومت صورت می گیرد و از آنجا که چاقو دسته خودش را نمی بُرد، مبارزه با آن مشکل است. یک دسته از دزدها نمی توانند بر ضد دسته دیگر لشگر کشی کنند، چون ریششان در نزد آن دسته دیگر گرو مانده است.

بر سر محکومیت این فساد و دزدی و خودفروشی و بر باد دادن منافع ملی ایران، همه اپوزیسیون ایران در حرف متحدالقول است. مردم ایران نیز از این همه کلاهبرداری و کلاه شرعی دزدی، جانشان به لیشان رسیده است و تف و لعنت است که مداوم نصیب جمهوری اسلامی و روحانیت حاکم می کنند. وقتی در اثر برملا شدن تحمیلی اسرار دزدی و راهزنی در حکومت، به هر عللی که دست خود آنها نیست، عده ای دستگیر می شوند، دستگاه دزد و فاسد قضائی برای کتمان و سرپوش نهادن بر این دزدیها فعال شده و تمام تلاش خویش را بیشتر به کار می برد تا حقایق روشن نشود و رهبران و سازماندهندگان این دزدیهای در سایه بمانند و از خطر پیگرد مصون باشند. دستگاه قضائی برادران دزد و فاسد لاریجانی معروف به انگلوفیل، برای حمایت از دزدها و دزدیها، نهایت فعالیتهای اسلامی خویش را به کار می برند تا برآشفستگی عمومی را بخوابانند. هنوز که هنوز است اسرار مربوط به ورشکستگی بانکها در اثر ضمانتهای روحانیت پرنفوذ با ابزار اعمال نفوذ مذهبی، پنهان نگاهداشته می شود. میلیاردها تومان ثروت ملی برباد رفته، به این علت که امنیت نیست، نظام قضائی برای حمایت از دزدها بر سر کار است و در این دزدیهای کلان دست باندهای گوناگون قدرت را باز می گذارند و تکه استخوانی از ثروت ملی برای آنها پرتاب می کنند تا در غارت ملی "همه" سهمیم باشند. شما کسی را در اپوزیسیون ایران پیدا نمی کنید که این سیاست چاپیدن و دزدی و خیانت به منافع عمومی را حداقل به صورت نوک زبانی محکوم نکند.

ولی بخشی از همین اپوزیسیون ایران چه به صورت فردی و چه به صورت سازمانی، که این چنین به روحانیت می تازد و آنها را افشاء می کند، فساد دستگاه روحانیت را بهانه ای کرده است تا خودش از منابع مالی ممالک غارتگر و امپریالیستی منتفع شود و آن را بی ضرر و خالی از طمع امپریالیستی جلوه دهد. برای این اپوزیسیون دزدی روحانیت محکوم است، ولی نوکری بیگانه و پول گرفتن از بیگانه به بهانه کمکهای مالی "بی ضرر" و رقاصی در بساط امپریالیستها اشکالی ندارد، زیرا این اپوزیسیون گویا دارد با دزدیهای رژیم جمهوری اسلامی مبارزه می کند. اپوزیسیونی که هنوز به قدرت نرسیده، یوغ نوکری بیگانه و امپریالیسم و صهیونیسم را به گردن گرفته است و منافع ملی را اساساً به رسمیت نمی شناسد، طبیعتاً چنانچه به قدرت دست یابد راه دیگری جز ادامه نوکری و همدستی با یاری دهندگان مالی اش ندارد. این اپوزیسیون از امکانات تبلیغاتی و بلندگوهای امپریالیستها و صهیونیستها استفاده می کند و نظریات آنها را تبلیغ می کند، تحت چتر حمایتی آنها قرار دارد و "سنگ آزادی" ایران را نیز به سینه می زند، ولی در عمل آلت دست سیاستهای تبلیغاتی امپریالیستهاست. این اپوزیسیون ایرانی که در ریاکاری سرآمد است، کمک گرفتن از امپریالیستها و دشمنان بشریت را توجیه می کند. استدلالات آنها هم مضحک است و هم "انقلابی"، ولی همه این استدلالات در خدمت بردگی مردم ایران بیان می شود. برخی از آنها مدعی اند که کمک گرفتن آنها از

امپریالیستها، وام کوتاه مدتی است که آنها بعد از پیروزی انقلاب ایران و روی کار آمدنشان آنرا به امپریالیستها مسترد خواهند داشت. این گرد و خاک کردن ها ولی روشن نمی سازد که اگر نتوانستند روی کار بیایند از کدام منبع می خواهند این "وام امپریالیستی" را بازپرداخت کنند؟ آیا امپریالیستها آنها را برای عدم پرداخت "وام" به دادگاه می کشند یا از دریافت آن صرف نظر کرده نام "بلاعوض" را به آن می افزایند؟ چرا امپریالیستهای غارتگر و جنایتکار در جهان در مورد اپوزیسیون ایران چنین با دست و دلبازی عمل می کنند؟ آیا نادان هستند؟ و یا اینکه با اپوزیسیون ایران همدستند و حاضرند در یک قمار سیاسی-اقتصادی برای تامین منافع آتی خویش در ایران، با این اپوزیسیون همدستی کنند.

بخشی با عنوان "انقلابی" اپوزیسیون که با کشکول گدائی، دم در سازمانهای امنیتی اروپا و اسرائیل و آمریکا دق الباب می کند، فورا مدعی می شوند که انقلاب خرج دارد و **برای سرنگونی رژیم فاشیستی جمهوری اسلامی** همدستی با شیطان هم مجاز است. البته سخنان نغزی نظیر "سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی" بدل می نشیند، ولی پاسخ نمی گوید که چرا نباید این سرنگونی با دست مردم ایران و با فداکاری خود آنها و با تکیه به نیروی مادی و معنوی مردم ایران صورت گیرد که قدر این سرنگونی را بدانند و حافظ استقلال، آزادی، دموکراسی عدالت اجتماعی و... در ایران آینده باشند. آن سرنگونی که با تکیه به قدرت امپریالیستها و ارتش داعش و نقش تعیین کننده آنها عملی شود، سرنگونی یک حکومت فاسد و روی کار آوردن حکومت فاسد و حتی دست نشانده ای است که با دست آن عامل تعیین کننده ی کمک امپریالیستی، که مسبب اصلی این سرنگونی بوده است، انجام شده و عملا منجر به آزادی ایران و مردمش نخواهد بود. هر کس باید بفهمد که چنین فعالیتی از جانب اپوزیسیون مدعی آزادی ایران، عملا نقض غرض است و این پرسش را مطرح می کند: چرا چنین اپوزیسیونی اساسا خود را عرضه و مطرح کرده و نقاب هویت کاذب به چهره می زند.

آیا برای نیروهای مترقی و انقلابی ایران تنها "خواست سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی" مطرح است و یا اینکه این سرنگونی را آنها از آن جهت طالب هستند که این رژیم حاکم را سد راه تکامل و پیشرفت و سعادت و آسایش مردم ایران و بویژه زحمتکشان ایران می بینند و می دانند؟ سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی باید در خدمت آزادی، استقلال، دموکراسی، تامین منافع زحمتکشان و آسایش مردم ایران قرار گیرد. ما در مضمون خواست سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی کوچکترین قربانت مشترکی با نیت شوم امپریالیستها و صهیونیسم جهانی نمی بینیم. ما از جمله طالب ایرانی هستیم که در منطقه خاور میانه با همه ملت‌های همجوار ایران که همسایگان هزاران ساله ایران هستند و می مانند، رابطه دوستی برقرار کرده و به دشمنی های امپریالیست و صهیونیست ساخته خاتمه دهد. چنین حکومتی نمی تواند با دست امپریالیسم و صهیونیسم در ایران بر سرکار آید. حکومتی که در ایران از منافع صهیونیسم دفاع کند و به اشغال سرزمینهای فلسطین توسط یک رژیم فاشیستی صحنه بگذارد، نمی تواند از آزادی ملت‌ها و دموکراسی حتی حداقل در منطقه خاورمیانه، دفاع کند. عده ای ریاکارانه چنین به مغز مردم فرو می کنند که چند تا ایرانی اپوزیسیون با و یا بدون تابلوی حزبی و سازمانی قادرند سر امپریالیستها و صهیونیستها را که تاریخ چند صد ساله استعماری و غارت و چپاول و جنگ را در کوله بار تجربه استعماری و استثماری خویش بیدک می کشند، کلاه بگذارند. غافل از اینکه این عفریتهای مرگ، این مارهای افعی شده، صدها جریانه‌ها و افراد نظیر این اپوزیسیون ایرانی را تشنه بر لب آب برده و تشنه برگردانده اند. کسی که تلاش می کند با مثالهای مع الفارق نظیر اینکه "لنین از آلمانها پول گرفت"، "عرفات از عربها و سایر دولتها پول گرفت" و یا "ویتنامی ها از شورویها و چینی ها" پول و اسلحه گرفتند، همدستی خویش را با امپریالیستها توجیه کند، قادر نیست به مردم ایران و جهان آن جنبش چند میلیونی توده ای در عرصه های ملی و جهانی را که نکته اتکای این جنبشها و تعیین کننده ماهیت واقعی آنها بودند، معرفی و عرضه کند. آنها از کمک مالی گرفتن و یا از کمکهای تبلیغاتی امپریالیستی برخوردار شدن را، فقط تا قرار بعدی گزارش به سازمانهای امنیتی امپریالیستی آموخته اند. کسی که در کلاسهای تبلیغاتی و آموزشی امپریالیستی برای دیدن دوره های "حقوق بشر شناسی"، "خبرنگاری آزاد"، "دوره های آموزشی شهروندی و جامعه باز و فمینیستی" و... شرکت می کند و یا برای نگارش مقالات مورد تائید امپریالیستها در مصاحبه های تلویزیونی شرکت کرده و مقالات نان و آبدار می نویسد، خودش می داند که آلت دست امپریالیستها و صهیونیستهاست. کسانی که جوایز بی نام نشان، ولی نان و آبدار جهانی را بنام اپوزیسیون ایران دریافت می کنند، می دانند که آلت دست امپریالیستها و در خدمت مصالح آنها هستند و گرنه زبان باز می کردند و جنایات امپریالیستها و صهیونیستها را نیر محکوم می کردند، محاصره اقتصادی ایران، تهدیدهای نظامی امپریالیستها را محکوم می کردند، از منافع مردم عراق و افغانستان و فلسطین دفاع می کردند، دخالت در امور

داخلی لیبی و سوریه را محکوم می کردند، ولی این اپوزیسیون ایرانی خود فروخته، خودش را در پشت عمامه آخوندها مخفی می کند و تحت این بهانه که هوادار "سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی است" به هر خیانتی بر ضد مصالح ملی ایران تن در می دهد. روشن است که مردم ایران برای این اپوزیسیون که از دول خارجی پول دریافت کرده و امکانات تبلیغاتی دریافت می کنند، تره هم خورد نمی کند. در راس این عده "سازمان مجاهدین خلق ایران" قرار دارد که به جاسوسی برای امپریالیستها بر ضد مصالح ملی ایران افتخار می کند و برای حمایت از تروریستهایی که به عنوان "اپوزیسیون سوریه" به آدمکشی مشغولند، سرباز جمع کرده و در کنار آنها در سوریه و در ارتش داعش در عملیات تروریستی شرکت فعال دارد. حامیان و پیروان منصور حکمت کمک مالی از دول غیر مسلمان را به تصویب رسانده و به حمایت از صهیونیسم اسرائیل می پردازند و این اقدامات و طنفروشانه را "انترناسیونالیسم" جا زده و همدستی با امپریالیسم و صهیونیسم را توجیه می کنند. آنها در عرصه تبلیغاتی بر ضد میهندوستی فعالند تا وطنفروشی در افکار عمومی جا باز کند. صهیونیستها و امپریالیستها کارزارهای تبلیغاتی و دادگاههای فرمایشی مسخره در خدمت منافع امپریالیستها و صهیونیستها بنام "کارزار ایران تریبونال Iran Tribunal Campaign" راه می اندازند تا در متن سیاست راهبردی امپریالیستی-صهیونیستی برای آماده سازی افکار عمومی برای تجاوز به ایران و محاصره اقتصادی ایران فعال شوند و نقاب انقلابی به چهره بزنند تا سربزنگاه مانع شوند که صفی از مقاومت مردمی در مقابل تجاوز امپریالیستی به ایران ایجاد شود. همدستی با "شهرزادنیوز" که از کمکهای مالی محافل امپریالیستی هلند برخوردار است در کادر توجیه همین سیاست همدستی با محافل امپریالیستی-صهیونیستی مطرح است.

پس می بینیم که داستان تلاش برای کمک گرفتن از محافل بیگانه تحت انواع نامها و بهانه های "انقلابی" مربوط به افراد جداگانه نیست، پاره ای سازمانهای سیاسی اپوزیسیون ایران در این کارزار گدائی از امپریالیسم شرکت فعال دارند. جالب این است که همین سازمانها کمکهای امپریالیستی صهیونیستی را که با برچسب ایرانی رضا پهلوی و سلطنت طلبان به منصور اسانلو انجام می گیرد، قویا مورد حمله قرار داده و آنرا تسلیم طلبی و خودفروشی منصور اسانلو به دشمنان مردم ایران معرفی می کنند. در اینکه همدستی با رضا پهلوی با آن سابقه ننگین سیاسی خاندانش، تنها موجب بی اعتباری و ننگ بزرگ تاریخی است و در محکومیتش جای تردید باقی نیست، سخن دیگری نمی شود بیان کرد، ولی در این کارزار اخیر، همدستی با اربابان رضا پهلوی یعنی امپریالیسم و صهیونیسم از طرف این اپوزیسیون مسکوت گذارده می شود. منطق آنها این است: "نوکری ارباب بلی، ولی همدستی با گماشته نه". کسی که منصور اسانلو را برای ضعف و کرنش در مقابل سلطنت و امپریالیسم و پشت کردن به آرمان های طبقه کارگر ایران محکوم می کند، نباید در مقابل امپریالیستها و صهیونیسم جهانی بی تفاوت بماند و گرنه معلوم نیست هدفش از این اقدام چیست؟ آنوقت این محکومیت بیشتر به رد گم کردن می ماند و می خواهد اسانلو را بیشتر به حلقوم امپریالیستها هول دهد. مبارزه با فعالیت منصور اسانلو که تلاش بیهوده دارد، جای پای ضد انقلاب امپریالیستی را در میان طبقه کارگر ایران بگشاید، نباید از مبارزه علیه آن بخش از اپوزیسیون ایرانی که به صورت تشکیلاتی و نه فردی با امپریالیستها سر و سر برقرار کرده و از جنایات آنها در سوریه، لیبی، لبنان، افغانستان، عراق، کردستان اسرائیلی و بویژه فلسطین ... حمایت می کند و مستمرا حقوق ملل را نقض می نماید، جدا ساخت. وگرنه این افساء گری ها صمیمانه و در خدمت استقلال، آزادی و رهائی زحمتکشان در ایران نیست. خوب است که آقای منصور اسانلو، اگر تا کنون نفهمیده، خوب به عمق این خطر پی ببرد و از راه نادرست کنونی همانگونه که کارگران زندانی طلب کرده اند بازگردد.

سه تن مبارز سیاسی کارگری در زیر ساطور سلاخی رژیم جمهوری اسلامی در طی نامه سرگشاده ای به منصور اسانلو بدردستی نوشتند: **"... صد بار ترجیح می دهیم وضعیت نابسامان مالی خود و خانواده خود را تحمل کنیم، اما از پذیرش چنین پول های که آلوده به خون کارگران است و برای منحرف کردن مبارزات جنبش کارگری و تفرقه افکنی میان کارگران خرج می شود امتناع می کنیم. ..."** (شاهرخ زمانی از زندان گوهر دشت کرج، رضا شهابی از زندان گوهر دشت کرج، محمد جراحی از زندان مرکزی تبریز- تاریخ: 1393/3/15).

حزب کار ایران(توفان) همواره به نیروی خود متکی بوده و در پیوزگی از محافل ارتجاع جهانی امپریالیستی و صهیونیستی و نوکرانشان را محکوم کرده است. حزب ما مانند همیشه، همدستی با امپریالیستها و نوکران رنگارنگ

آنها و دریافت کمکهای تبلیغاتی و مالی از آنها را بشدت محکوم می کند و آنها را خدمت رهایی ایران و مردم آن نمی داند. افراد و بویژه سازمانها و تشکلهائی که حاضر نیستند با امپریالیسم و صهیونیسم و عملکرد آنها در جهان مرزبندی روشنی نمایند، تشکلهائی که حاضر نیستند اخاذی از دشمنان بشریت و محافل ارتجاع جهانی را توسط پاره ای از سازمانهای اپوزیسیون ایران محکوم کنند، هرگز در جهت منافع ملی مردم کشورشان گام نمی گذارند. حملات آنها نیز به آقای اسانلو صمیمانه نیست، حسابگرانه است. ترس از دست دادن بازار رقابت است، با فرصت طلبی و لیبرالیسم سیاسی هرگز نمی شود بر دشمنان مردم ایران فائق آمد.

بر گرفته از توفان شماره 176 آبان ماه 1393 نوامبر سال 2014، ارگان مرکزی حزب کار ایران (توفان)

صفحه حزب کار ایران (توفان) در شبکه جهانی اینترنت

www.toufan.org

نشانی پست الکترونیکی (ایمیل)

toufan@toufan.org

لینک چند وبلاگ حزبی

وبلاگ توفان قاسمی

<http://rahetoufan67.blogspot.se/>

ظفر سرخ وبلاگ

<http://kanonezi.blogspot.se/>

آگاه وبلاگ کارگر

<http://www.kargareagah.blogspot.se/>

کتابخانه اینترنتی توفان سایت

<http://toufan.org/ketabkane.htm>

توفان سایت آرشیو نشریات

http://toufan.org/nashrie_tofan%20archive.htm

توییتر توفان در

<https://twitter.com/toufanhezbkar>

توفان در فیسبوک

<https://www.facebook.com/toufan.hezbekar>

توفان در فیسبوک به زبان انگلیسی

<https://www.facebook.com/pli.toufan?fref=ts>